

# کانون‌های تفکر

(ویرایش دوم)

کد موضوعی: ۳۳۰

شماره مسلسل: ۱۳۴۷۴

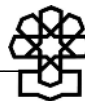
بهمن‌ماه ۱۳۹۲

دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	فصل اول - ضرورت کانون‌های تفکر
۹.....	فصل دوم - چیستی کانون‌های تفکر
۱۹.....	فصل سوم - ویژگی‌های کانون تفکر
۲۴.....	فصل چهارم - سیر تحول کانون‌های تفکر
۳۰.....	فصل پنجم - تفکر کانونی
۳۷.....	فصل ششم - ملاحظات کانون‌های تفکر
۴۲.....	فصل هفتم - انتظار دولت از کانون‌های تفکر
۴۸.....	فصل هشتم - کارکردهای کانون تفکر
۵۰.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۵۲.....	منابع و مأخذ



## کانون‌های تفکر (ویرایش دوم)

### چکیده

این نوشتار با هدف آشنایی نمایندگان ملت با کانون‌های تفکر نوشته شده است. این گزارش با بیان ضرورت طرح کانون تفکر آغاز شده تا به این پرسش پاسخ دهد که کشور چه نیازی به کانون تفکر دارد و این امر، شروع مناسبی برای ورود به بحث کانون تفکر خواهد بود تا امکانی برای تبیین چپستی این کانون‌ها فراهم شود.

کانون‌های تفکر، حلقه استراتژیستی برای سیاست‌پژوهی و فراهم آوردن امکانی برای سیاستگذاری است. با این وجود کسانی که بخواهند در این حلقه قرار گیرند، باید ویژگی و قابلیت‌های کانونی مانند جمع‌اندیشی در حل مسائل بزرگ، تولید ایده و خلاقیت در ایده‌پردازی و امکان تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌ها برای دولت داشته باشند.

این کانون‌ها سیر تحول کانونی را طی کردند تا به تفکر کانونی جدید رسیدند. در این تفکر، ملاحظات کانونی مانند اکتشافی، خلاقیتی و تعاملی در جامعه و حکومت وجود دارد که باید در شبکه کانونی مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است دولت از کانون‌های تفکر انتظاراتی دارد که به‌طور متقابل انتظاراتی نیز در کانون‌ها وجود دارد. دولت انتظار دارد که کانون‌ها تعریف جامعی از سیاست، سیاست‌پژوهی و سیاستگذاری ارائه دهند و به کمک نرم‌افزاری دولت بیایند و به برخی از پرسش‌های

جدی که در این حوزه وجود دارد پاسخ دهند. در مقابل کانون‌های تفکر نیز به دنبال استقلال خود هستند و بر نمی‌تابند که دولت استقلال آنها را نشانه رود. در بخشی از این گزارش اشاره اجمالی به دو نمونه از کانون‌های برتر تفکر جهان شده تا تصویری کوتاه از چندوچون کانون‌ها ارائه گردیده تا بدانیم که ما در کجای این چندوچون‌ها قرار داریم. این گزارش سرآغاز سلسله گزارش‌های (میز کانون تفکر) درباره کانون‌های تفکر خواهد بود که به تدریج انتشار می‌یابند و هر گزارش به کانون تفکری اختصاص خواهد یافت.<sup>۱</sup>

## مقدمه

عصر جدید با دو مشخصه کلی مواجه شده است:

الف) گذشته‌پژوهی (مطالعه در سیر تحول تاریخ گذشته)،

ب) آینده‌پژوهی (مطالعه در تحولات آینده انسان و جهان).

گذشته‌پژوهی، رویدادی آینده‌پژوهانه برای انسان است. این رویداد تحولاتی را در عصر جدید برانگیخته که در این مقطع تا حدودی غیرمترقبه بوده است. بدیهی است اتخاذ رویکرد آینده‌پژوهی با انگیزه‌های جدیدی همراه بوده که چنین پیش‌بینی شگرفی را در این دوره رقم زده است.

کانون‌های تفکر با توجه به نیاز و حساسیت عصر جدید (مصرف فکر و شکل‌گیری

۱. ویرایش اول این گزارش در اسفندماه ۱۳۸۴ در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات بنیادین حکومتی) شماره مسلسل ۷۷۲۹، منتشر شده است.



فقر تفکر) به وجود آمدند تا تحولات بنیادین را در گذر تحولات کنونی ایجاد کنند. البته بیشتر کشورها بستر مناسبی را برای تشکیل کانون‌های تفکر شکل دادند تا مسائل بنیادین جامعه، دولت و حکومت را به صورت تعامل استراتژیستی حل و فصل کنند. اکنون اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به گونه‌ای رقم خورده که تشکیل کانون‌های تفکر در کشور امری اجتناب‌ناپذیر شده است. از این رو داشتن راهبردی مشخص برای پیدایش کانون‌های تفکر و استفاده مناسب از تولیدات آنها امری ضروری است.

کانون‌های تفکر به مباحث کلان دولت و حکومت می‌پردازند و سرگرم امور جزئی کشور نمی‌شوند. اگر در مواردی دیده می‌شود که در امور جزئی ورود پیدا می‌کنند، فقط به برنامه‌ریزی و تعلیم مدیران حکومتی برای دولت معطوف می‌شود. در دفتر پژوهش‌های مطالعات بنیادین حکومتی، مدتی است که میز کانون تفکر تشکیل شده تا با فراهم آوردن سلسله گزارش‌هایی از کانون‌های تفکر برتر جهان و معرفی اهداف، روش‌ها و سیاست‌های آنها به تعمیق سیاستگذاری در کشور کمک کند.

## فصل اول - ضرورت کانون‌های تفکر

تأسیس کانون‌های تفکر، برای جامعه ایرانی در عرصه محلی، ملی و بین‌المللی ضرورت تاریخی است.<sup>۱</sup> این ضرورت گرچه با فقر تفکر در جامعه علمی به سختی

۱. سیدیونس ادیانی، اتاقی برای فکرسازی و فکورزی، مجله پگاه، شماره ۱۲۹.

فهم شده، ولی باید متناسب با نیاز جامعه و سازوکار کانونی شکل گیرد.<sup>۱</sup>

کانون‌های تفکر از دو جهت برای انسان امروز اهمیت دارند:

الف) شناسایی ناکارآمدی‌های دولت در عرصه‌های مختلف توسعه آن در تمامی

سطوح،

ب) رفع ناکارآمدی‌ها و کارآمدسازی دولت برای ارتقای امور مادی و معنوی

مردم در کشور.

فعالیت کانون‌های تفکر باید به رفع ناکارآمدی‌ها منجر شود؛ در عین حال لازم

است برای پیشرفت و تکامل ملی توجیهی موجه داشته باشند.

از این رو برای به وجود آمدن چنین اصلی لازم است کانون‌ها در شرایط مناسب

قرار گیرند تا کشور را در مسیر توسعه واقعی هدایت کنند.

در هر اقدامی نخست باید ناکارآمدی‌های دولت در عرصه سیاستی و حکمرانی

در سطح وسیع احصا و طبق آن برنامه‌ای مناسب برای کارآمدی ساختارها و

سازه‌های مفهومی دولت نوشته شود. مسئله کارآمدی در کانون‌ها هم موضوعیت

دارد، هرچند که فهم زیرساخت‌های آن به سختی ممکن می‌شود. با این وجود برای

کارآمدی کانون‌ها، مدیریت کارآمد و نیروی انسانی با فکر و خلاق برای برنامه‌ریزی

و آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها امری لازم و ضروری است. اگر فعالیت کانون‌ها

در این دو بخش متمرکز شود، نتایج قابل توجهی برای جامعه، دولت و نظام حکومتی

به دست خواهد آمد.

۱. جالب است که این ضرورت علاوه بر دانشگاه‌ها مورد توجه نمایندگان ملت و دولت نیز قرار گرفته است.



در دوره جدید سه چیز بر ضرورت کانون‌های تفکر افزوده است:

۱. برنامه‌گرایی دولت براساس تفکر جمع‌اندیشانه که با پشتوانه کانون‌های تفکر قابل توجیه خواهد بود.<sup>۱</sup>
۲. دانش‌آموختگی گسترده و با شعار ملی تفکر و ارتقای منطق فکر در جامعه، دولت و حکومت.
۳. نخبه‌گرایی و فکرمحوری که پایه هر جامعه، دولت و حکومت تواناست.

## تاریخ هسته‌های کانونی

سرآغاز پیدایش هسته‌های کانونی و علل و انگیزه‌های شکل‌گیری اولیه آن به روشنی مشخص نیست. نکته قابل ملاحظه کثرت پدیداری کانون‌های تفکر در نیمه دوم قرن بیستم و به‌ویژه ربع پایانی آن در اروپا، آمریکا و آسیا بوده است. مشکل این است که به‌درستی روشن نیست که نخستین هسته‌های کانونی تفکر و سیاست‌های طراحی شده آن در چه زمانی به‌وجود آمد و به‌وسیله چه کسی و با چه انگیزه و هدفی آن را به‌وجود آورده است. با این وجود سیاست‌های اولیه کانون‌ها مانند آغاز شکل‌گیری آن در هاله‌ای از پیچیدگی قرار دارد که با سخت‌کوشی به‌دست خواهد آمد.

واژه کانون تفکر در آمریکا در دهه (۱۹۶۰) و بنا به مصالح خاصی به‌کار گرفته شد و به مرور زمان وارد ادبیات دانش سیاسی، حکومتی و مدیریتی جهان شده است. استراتژی کانون‌ها این بود که پلی میان «قدرت، دانش و حکومت» بسازند. با

---

۱. سیدیونس ادیانی، پژوهش‌های حکومتی، انتشارات نقش جهان، ۱۳۸۵، ص ۲۵۹.

این منطق، استراتژیست‌ها فکر می‌کردند که کانون‌ها ساختار مناسبی برای به‌کارگیری ایده، اندیشه و دانش در جهت خدمت به قدرت هستند و مانند ابزاری بنیاد شدند تا در خدمت سیاستمداران حرفه‌ای باشند.

کانون‌های تفکر با هدف سیاست‌پژوهی برای سیاست‌سازی در جامعه و دولت متولد شدند، ولی کانون‌ها در واقعیت عمل، پشتوانه فکری و مشاوره‌ای برای سیاستگذاران و تصمیم‌سازان حکومتی بوده‌اند. با این وجود کانون‌های تفکر لایه درجه دوم سیاستگذاری آمریکا می‌باشند و مطالعه و پژوهش‌های کانونی در جهت حل مسائل و مشکلات سیاستمداران و مدیران صورت گرفته و کانون‌ها نقش بنیادی در سیاست‌پژوهی برای سیاستگذاری ایفا نمی‌کردند. در این مدل، سیاستمداران و مدیران از کانون‌های تفکر فرمان نمی‌گرفتند و آنان به‌صورت ابزار تحت فرمان، دستور آنها را توجیه می‌کردند.

کانون‌های تفکر در عرصه اجرایی نبودند و بیشتر پس از پیامدها و در مواردی در زمان مواجهه با مشکل راهکاری مناسب ارائه می‌دادند. یعنی کانون‌ها، وقایع و رخدادها را همراهی می‌کردند تا شاید راهکاری مناسب بیندیشند و فراروی سیاستمداران و مدیران حکومتی قرار دهند.

نخستین کانون تفکر سازمان یافته «مؤسسه رند»<sup>۱</sup> است. این کانون در سال (۱۹۴۸) در حوزه مسائل امنیتی و نظامی تأسیس شد. در آغاز نقش این کانون ارائه خدمات فکری به نیروی هوایی آمریکا بوده است. این مؤسسه، مادر همه کانون‌های



تفکر در جهان به‌شمار می‌آید.

در آسیا، سه کشور در تأسیس کانون‌های تفکر پیشقدم بودند. در کشورهای آسیایی از دهه (۱۹۷۰) کانون‌های تفکر با ویژگی بومی به‌وجود آمدند. با این استراتژی، کشورهایی مانند ژاپن، چین و کره جنوبی از کانون تفکر مناسبی برخوردار شدند.

براساس مطالعات مؤسسه ملی گسترش پژوهش<sup>۱</sup> ژاپن، حدود ۳۲۰ کانون تفکر در ۸۹ کشور جهان به فعالیت فکری اشتغال دارند. یک‌سوم این کانون‌ها در آمریکا مستقر هستند. جالب است در فهرست این مؤسسه، بخش مربوط به ایران فقط نام انستیتوی مطالعات سیاسی و بین‌المللی دیده می‌شود.

از طرفی در آمریکا هسته‌های کانونی بنا به گواهی تاریخ در جنگ جهانی دوم شکل گرفتند که در قلمرو امنیتی برای طراحان نظامی درباره مسائل استراتژیک سیاست‌پژوهی می‌کردند.<sup>۲</sup> نخستین کانون‌های تفکر در آمریکا عبارتند از:

۱. بنیاد راسل سیج (۱۹۰۷)،<sup>۳</sup>

۲. شورای روابط خارجی (۱۹۲۱)،<sup>۴</sup>

۳. مؤسسه بروکینگز (۱۹۱۶، ۱۹۲۷).<sup>۵</sup>

---

1. National Institute for Research Advancement (NIRA)

۲. راهنمای جهانی کانون‌های تفکر، ۱۹۹۳.

3. Russell Sage Foundation (RSF)

4. American Foreign Policy Council (AFPC)

5. The Brookings Institution

بعضی پژوهشگران مانند ناکامورامادوکا<sup>۱</sup> باور دارند که کهن‌ترین کانون‌های تفکر «مؤسسه خدمات سلطنتی انگلستان در مطالعات نظامی»<sup>۲</sup> (۱۸۳۱) در دوک ولینگتون و «جامعه فابیان انگلستان»<sup>۳</sup> (۱۸۸۴) و «مؤسسه اقتصاد بین‌المللی هامبورگ» (۱۹۰۸) هستند.

بعد از جنگ جهانی دوم کشورهای آسیایی به‌صورت جدی به تأسیس کانون‌های تفکر پرداختند. برخی از آنها عبارتند از:

۱. مؤسسه امور بین‌المللی پاکستان (۱۹۴۷)،

۲. مؤسسه مطالعات توسعه بنگلادش (۱۹۴۸)،

۳. مؤسسه بین‌المللی تایوان (۱۹۵۳)،

۴. مؤسسه ملی مدیریت توسعه تایلند (۱۹۵۵)،

۵. مؤسسه رشد اقتصادی دانشگاه هند (۱۹۵۸).

اگرچه در قاره آسیا، چین و کره نخستین کشورهای بودند که از دهه (۱۹۷۰) به تأسیس و به‌کارگیری کانون‌های تفکر پرداختند؛ ولی این کانون‌های تفکر در ژاپن گام‌های بلندتری برداشتند. مانند:

۱. مؤسسه ملی پژوهشی ژاپن (۱۹۷۴)،

۲. مؤسسه علوم کار (۱۹۲۱)<sup>۴</sup>،

---

1. Royal United Institute for Defence and Security Studies (RUSI)

2. The Fabian Society

3. Hamburg Institute of International Economics (HWWA)

4. The Institute for Science of Labour (ISL)



۳. مرکز پژوهش‌های اقتصادی کیوشو (۱۹۴۶).<sup>۱</sup>
- هسته‌های قانونی به‌لحاظ تاریخی چهار دوره را سپری کردند:
- الف) قانون‌های تفکر امنیتی و نظامی،
- ب) قانون‌های تفکر دینی و ایدئولوژی،
- ج) قانون‌های تفکر ملی و بین‌المللی براساس سیاست‌های پایه،
- د) قانون‌های تفکر براساس شورای سیاستگذاری.

## فصل دوم - چیستی قانون‌های تفکر

واژه قانون تفکر نخستین بار در دهه (۱۹۶۰) در آمریکا مطرح شد و به‌مرور در ادبیات علوم سیاسی، حکومتی و مدیریتی جهان وارد شد. قانون تفکر به معنای سیاست‌پژوهی مستقل برای سیاست‌سازی و سیاستگذاری در جامعه، دولت و حکومت است. فرهنگ آمریکایی هریتیج<sup>۲</sup> قانون تفکر را گروه یا مؤسسه‌ای برای انجام دادن پژوهش‌های بنیادی و حل مسئله به‌ویژه در حوزه فناوری و استراتژی سیاسی دانسته است.

قانون تفکر طبق فرهنگ آکسفورد، مؤسسه تحقیقاتی یا سازمانی است که به ارائه مشاوره و ایده برای مسائل ملی و تجاری می‌پردازد.<sup>۳</sup>

ویلیام سفیره نخستین کسی است که در کتاب «زبان نوین سیاست» به تعریف و

1. Kyushu Economic Research Center (KERC)

2. American Heritage

3. Oxford, p. 1351.

تشریح کانون تفکر پرداخته است. او کانون تفکر - به‌ویژه کانون تفکر رند - را نیروی جدید و تأثیرگذار در سیاست‌های آمریکا دانسته که میان جهان پژوهش، ایده و جهان سیاستگذاران و دولتمردان پلی زده است.

بنا به باور استروب تالبوت<sup>۱</sup> کانون‌های تفکر، نوعی از سازمان تحقیقاتی در حوزه سیاست عمومی<sup>۲</sup> هستند که پایه‌های سیاست و ایده‌هایی را گسترش می‌دهند که سیاست‌های آینده را می‌سازند. آلن اسمیت کانون‌های تفکر را «دلایان ایده»<sup>۳</sup> توصیف کرده است. بنابراین با همه این نکته‌ها کانون تفکر نقش ایده‌سازی به‌عهدۀ ندارند و کار آنها به توسعه، ترویج و به‌کارگیری اندیشه و دانش معطوف است.

فهم کانون‌ها در گرو درک شفاف از سه لایه است:

الف) لایه واقعیت‌شناسی در جامعه،

ب) لایه فکر و فرهنگ‌شناسی،

ج) لایه راهکارها و موانع‌شناسی.

برای ورود مناسب‌تر در کانون‌های تفکر چهار رویکردشناختی لازم است:

گذشته‌پژوهی و بازشناسی سازه‌های گذشته برای ورود به فضای آینده و درک

وضعیت کنونی جهان،

- امکان‌سنجی و درنگی در وضعیت کنونی و حال‌پژوهی،

- کشف ضرورت‌ها و نیازهای جامعه در لایه‌های مختلف حکومتی،

---

1. Strobe Talbott

2. Public Policy Institutes

3. The Idea Brokers



- تفکیک موانع و تلفیق راهکارهای عملی از نظری.<sup>۱</sup>

کانون‌های تفکر فقط مؤسسه سیاسی نیستند و تنها شامل کارکردها، تحلیل‌ها و تحقیق سیاسی نمی‌شوند؛ بلکه متناسب با نیازهای اجتماعی در عرصه آموزش، پژوهش و دیگر امور کشورداری نقش ایفا می‌کنند. بنابراین عناصر تشکیل‌دهنده کانون‌های تفکر، استراتژیست‌های فکر و سازمان‌های مستقل و غیرانتفاعی هستند که نقش سیاست‌پژوهی را در عرصه محلی، ملی و بین‌المللی به‌عهده دارند.

کانون‌های تفکر بنیادین مرکز مطالعاتی، پژوهشی و فکرپژوهی از نوع استراتژیستی هستند که با تأملات بنیادین، پژوهش‌های کاربردی انجام می‌دهند. این کانون‌ها با تفکر ترویجی و توسعه‌ای، ایده، اندیشه و دانش برای مراکز دانشگاهی و پژوهشگاهی تولید می‌کنند و آن را برای سیاستمداران و مدیران اجرایی کشور عملیاتی می‌سازند.

کانون‌های تفکر حکومتی، راهبردی به‌مثابه سیاست‌پژوهی برای سیاستگذاری در اداره امور کشور هستند. از طرفی سیاست‌پژوهی به سه بخش مستقل، وابسته و نیمه‌وابسته تقسیم می‌شوند. کار این کانون، تصمیم‌سازی و سیاستگذاری برای همراهی و مساعدت با سیاستمداران و مدیران حکومتی در اداره امور کشور است.

کانون تفکر، سازوکاری برای همنشینی با بحران و مشاوره در حوزه عمومی نیست ولی در عین حال از آن در بحران‌ها به‌صورت مشاوره استفاده می‌شود. کانون

---

۱. سیدیونس ادیانی، منطق بنیادین فکر، انتشارات نقش جهان، ۱۳۹۱، چاپ دوم، ص ۴۴۸.

تفکر، هسته‌های متفاوت فکری در جوانب مختلف برای سیاست‌پژوهی است. بخش مشاوره کانون‌های تفکر، فرع لازمی است تا فرصت تعلیم عملی از دست نرود. کانون‌ها در واقعیت عملی مجموعه استراتژیست‌هایی هستند که برای جامعه، دولت و حکومت سیاست‌پژوهی می‌کنند. سیاست‌پژوهی با ایده‌شناسی، اندیشه‌شناسی و تجزیه و تحلیل منطقی همراه است. از این رو در تشکیل کانون‌های تفکر باید کسانی عضو باشند که تئوری‌ها و زیرساخت‌های اندیشه بشری را بشناسند و از تاریخ تفکر بسیار بدانند و در رشته‌ای از علوم و فنون، دانش و تجربه مفید داشته باشند. این ترکیب برای تشکیل کانون‌های تفکر بر قوام آن می‌افزاید و تفکر کانونی را در فرآیند توسعه عملی قرار می‌دهد.

کانون تفکر برآیندی از نهاد علمی و اجتماعی نیست و در واقعیت عملی کانون ایده‌ستانی، ایده‌پژوهی، ایده‌سازی، ایده‌پردازی و انتقال آن به مخاطب خلاق است. بنابراین همان‌گونه که انجمن دانش‌پژوهان با انجمن فکرپژوهان متفاوت است، کانون‌های تفکر با کانون‌های علمی و اجتماعی تفاوت عمده دارد، گرچه این تفاوت در جامعه امروزی به روشنی دیده نشده است.

کانون‌های تفکر در تعارض با دولت قرار نمی‌گیرند تا با جریان‌های سیاسی مواجه شوند. شاید از این جهت که استراتژی سیاست‌پژوهی، راهبرد عملی برای کانون‌های تفکر است. این کانون‌ها فعالیت خود را انجام می‌دهند و آن را به مخاطب می‌رسانند. البته کانون‌ها از آنجا که بر شانه اتاق فکر قرار دارند، بستری برای ارائه سیاست‌پژوهی به مخاطب هستند. اگر کانون‌ها بدون پیش‌زمینه اتاق فکر در مدارس،



دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها شکل گیرند، احتمال تعارض با جامعه و دولت فرضی ممکن خواهد بود.

کانون‌های تفکر، حلقه سیاست‌پژوهی برای سیاستگذاری ملی و بین‌المللی است. سیاست‌پژوهی تأکیدی بر مطالعات راهبردی برای اقدام پیش‌دستانه برای مسئله‌شناسی است. بنابراین در جهان امروز تشکیل اتاق فکر برای کانون‌ها و اندیشگاه‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

کانون‌های تفکر علاوه بر انجام پروژه‌های ملی و بین‌المللی، در حوزه فناوری، استراتژی سیاسی، علمی، فرهنگی و تمدنی نیز می‌اندیشند. این کانون‌ها، مؤسسه پژوهش‌های فکری هستند که در زمینه مسائل سیاسی، حکومتی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی با ایده‌سازی و ایده‌پردازی، مشاوره فکری به نظام حکومتی می‌دهند.<sup>۱</sup> درباره کانون‌های تفکر، تعابیری مانند: کارخانه ایده، کارخانه مغز، کارخانه تمییز، جعبه مغز، شرکت تولید ایده‌ها، تاجران ایده، بانک مغز، کارگزاران مغزها، کارگزاران اندیشه، بدنه دانش، دانش فکر، توفان ذهن و قطار اهل فکر به‌کار گرفته شده است.

با این تعاریف، کانون‌های تفکر ابزاری برای سیاستمداران دولتی و مدیران حکومتی هستند. کانون‌های تفکر با به‌کارگیری تخصص و اطلاعات، مشکل نظام مدیریتی و سیاستگذاری در جامعه و حکومت را برطرف می‌کنند.

کانون‌های تفکر براساس منطق بنیادین فکر مانند سیاست‌پژوهان برای

---

۱. سیدیونس ادیانی، تالار آگاهی و گواهی، انتشارات نقش جهان، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۳۰۷.

سیاست‌سازی و سیاستگذاری هستند.<sup>۱</sup> در این منطق، کانون‌ها با پژوهش‌های بنیادین، هم ایده‌های نو می‌آفرینند و هم مدیران و سیاستمداران جدید را در کانون‌ها پرورش می‌دهند. براساس چنین گرایشی، کانون‌های تفکر دچار روزمرگی نمی‌شوند و همواره در صدد جامعه‌سازی و دولت‌سازی بر می‌آیند. با این استراتژی، کانون‌های تفکر به جامعه و دولت فرصت می‌دهند که هم نیاز مقطعی خود را مرتفع سازند و هم به فکرسازی بنیادین روی آورند.

کانون‌های تفکر از نخبگان فکری شکل می‌یابند که باید دغدغه منافع ملی داشته باشند.<sup>۲</sup> هسته‌های کانونی در ماهیت جامعه سیاسی ریشه دارند. شاید ساختار جامعه سیاسی در شکل‌گیری، ورود و خروج پژوهش‌ها و عمق بخشیدن به آن تأثیری شگرف بر جای گذارد.

امروز هسته‌های کانونی به پدیده جهانی تبدیل شده‌اند و به نحوی مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در سازه‌های سیاست، حکومت و مدیریت اداره کشور دارند و در مواقعی همتای آنها در جهان سیاست هستند یا به تعامل با آنها می‌پردازند. در مواردی سیاستمداران نیز به کانون‌ها راه می‌یابند. مانند کانون‌های امریکن اینترپرایز و نئومحافظه‌کاران که محل رفت و آمد سیاستمداران آمریکاست و بین آنها تعامل منطقی وجود دارد.

۱. منطق بنیادین فکر، چاپ اول، ص ۲۲۲.

۲. کارگاهی برای فکرسازی، روزنامه رسالت، ۲۰ مردادماه ۱۳۸۳.



## ۱-۲. انواع کانون‌های تفکر

کانون‌های تفکر، حلقه سیاست‌پژوهان برای سیاست‌پژوهی، سیاست‌سازی و سیاستگذاری است. سیاست‌پژوهی به سه نوع مستقل، دولتی و ایدئولوژی تقسیم می‌شود که هر یک به نحوی انواعی از کانون‌های تفکر را شکل می‌دهند:

الف) سیاست‌پژوهی در سیاست، حکومت، دولت و قانون،

ب) سیاست‌پژوهی در مباحث امنیتی و نظامی،

ج) سیاست‌پژوهی در حوزه حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی،

د) سیاست‌پژوهی در امور صنعت، فناوری و ارتباطات.

کانون‌های تفکر به تناسب نقشی که در جامعه سیاسی ایفا می‌کنند تقسیم می‌شوند. با این حال کانون‌های تفکر جنبه‌های مختلفی دارند که براساس آینده‌پژوهی به کانون تفکر پایه سیاسی، حکومتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، رسانه‌ای، امنیتی، صنعتی و تکنولوژی تقسیم می‌شوند.

کانون‌های تفکر در هر کشور به چهار صورت طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. مطالعات روستایی، شهری و استانی،

۲. پژوهش‌های ملی و متمرکز برای حل مسائل، مشکلات، دغدغه‌ها و

سیاستگذاری کشور،

۳. مطالعات منطقه‌ای براساس پژوهش در مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و

اقتصادی کشورهای منطقه،

۴. مطالعات بین‌المللی براساس تعاملات، دغدغه‌ها و فرصت‌های مشابه روابط سازمانی.

کانون‌های تفکر در صورت‌بندی ساده‌تر به دو بخش دولتی و خصوصی تقسیم می‌شوند: کانون‌های تفکر دولتی شامل دو بخش تمام‌دولتی و نیمه‌دولتی است. کانون‌های تفکر دولتی تحت نظر دولت عمل می‌کنند که مدل‌های دانشگاهی و پژوهشگاهی در این شمار قرار دارند. کانون‌های نیمه‌دولتی به نحوی در سیاستگذاری مشارکت می‌کنند. کانون‌های غیردولتی وابستگی به دولت ندارند و ممکن است در تعامل با دولت مشارکت داشته باشند.

کانون‌های تفکر به تناسب فعالیت‌ها به سه بخش تقسیم می‌شوند:

الف) کانون‌های تفکر آکادمیک که کارکرد دانشگاهی و پژوهشگاهی دارند،

ب) کانون‌های تفکر خدماتی که نقشی در متن جامعه ایفا می‌کنند،

ج) کانون‌های تفکر با جهت‌گیری سیاسی، فرهنگی و حقوقی که در استخدام

دولت قرار می‌گیرند.

## ۲-۲. منابع مالی کانون‌های تفکر

منابع مالی کانون‌ها در وابستگی و عدم وابستگی آنها نقش عمده‌ای دارد. دولت‌ها بخش عمده نیاز کانون‌ها را تأمین می‌کنند و در عین حال نهادها و آژانس‌های حکومتی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی اصلی‌ترین متقاضی محصولات کانون‌ها هستند و آنها به سیاستمداران، شرکت‌ها، کمپانی‌ها، رسانه‌ها و بخش‌های خصوصی



مشاوره می‌دهند تا منابع مالی کانون‌ها تأمین شود، مانند مؤسسه اقدام آمریکا که سازمانی مستقل و غیرانتفاعی است و از طرف بنیادها و شرکت‌ها حمایت می‌شود یا مؤسسه کارنگی که از طریق اجاره، تولیدات و انتشارات، منابع مالی خود را تأمین می‌کند یا مؤسسه کاتو<sup>۱</sup> که از طریق شرکت‌ها، بنیادها، انتشارات و کنفرانس‌ها تأمین مالی می‌شود.

تعامل کانون‌های تفکر از نکات برجسته کانونی است. کانون‌ها برای تأمین بودجه خود با روش‌های متفاوتی عمل می‌کنند که این روش‌ها در تقسیم کانون‌ها مؤثر است. بدیهی است دغدغه تأمین بودجه در جهت‌گیری و غنای گزارش‌ها و خروجی‌ها تأثیر عمده دارد، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم که مطالعات برون‌سازمانی مورد توجه قرار نمی‌گیرد، مشکل دو چندان می‌شود و کانون‌های تفکر ابزار دست سیاستمداران خواهند شد.

### ۲-۳. ساختار کانون‌های تفکر

ساختار کانون تفکر به شکلی از تولید فکر عمومی به جامعه فکری معطوف است. شاید از این جهت که این جامعه در مسیر عقلانیت و توجیه فکری قرار دارد. ساختار تولید فکر به سه صورت ممکن می‌شود:

الف) هیئت امنای کانون‌های تفکر،

ب) شورای کانون‌های تفکر،

ج) ستاد کانون‌های تفکر.

ساختار کانون تفکر به سه صورت شکل می‌گیرد:

الف) رگه‌شناسی و کشف هسته مرکزی فکر در حوزه عمومی،

ب) درک حقیقت فکر اجتماعی و به دست آوردن ماهیت آن،

ج) دریافت روشن از ساختار فرهنگی، اجتماعی و عملی فکر.

هیئت امنای کانون‌های تفکر، وظیفه ایجاد و اداره زیرساخت‌های فیزیکی،

اطلاعاتی و مالی را به عهده دارند.

شورای کانون‌های تفکر، مجموعه‌ای از استراتژیست‌های سیاست‌ساز و

تصمیم‌ساز هستند که در شبکه گسترده فکرسازی، نقش سیاستگذاری و

سیاست‌پژوهی را به عهده دارند و این نقش براساس منابع اطلاعات فکری به آنان

واگذار شده است.

ستاد کانون‌ها از گروه کارشناسانی تشکیل می‌شود که زیرساخت‌های کانون

تفکر را تشکیل می‌دهند. این کارشناسان، وظیفه گردآوری اطلاعات و نظریه‌ها را

به عهده دارند و به نحوی حد فاصل هیئت امنای کانون‌ها و شورای کانون‌ها هستند. با

این بیان کانون‌ها هم می‌توانند در سطح اتاق فکر عمل کنند و هم نقش جامع‌تری را به

لحاظ حکومتی به عهده گیرند. البته در مواردی ممکن است نوعی همگرایی و شاید

سازگاری بین آنها برقرار شود و تفاوت آنها فقط به عنوان معطوف گردد.<sup>۱</sup>

۱. اتاق فکر و کانون‌های تفکر در ادبیات بومی تفکر با هم تفاوت عمده دارند که هیچ‌یک نقش دیگری را به عهده

نگرفته و هریک در مدار خود حرکت می‌کنند.



## فصل سوم - ویژگی‌های کانون تفکر

کانون‌های تفکر چند ویژگی کلی دارند و در جامعه، حکومت، دولت و حوزه عمومی نقش برجسته ایفا می‌کنند:

الف) روشی بودن استراتژی کانون‌های تفکر. این ویژگی، سازوکاری در چگونگی فکر کردن و در جهت بهبود انتقال فکر به مخاطب است. البته این ویژگی به کمک فناوری‌های نوین بهتر صورت گرفته است.

ب) اعمال روش جمع‌اندیشانه و تجمیع دانایی‌های مختلف به صورت روشمند در جوانب متفاوت.

ج) بهره‌گیری از نیروهای متفکر، نخبه و استراتژیست به صورت هسته‌های فعال فکری برای خلاقیت در امور سیاست‌پژوهی.

د) مستندسازی پژوهش‌ها و استفاده از آرای کارشناسان باتجربه، متفکر و روشن‌اندیش.

ه) دور بودن از امور اجرایی و بوروکراتیک و ملاحظه نکردن فضای رسمی سیاستگذاری و تکیه بر فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی برای فکرسازی و انتقال فکر به دولت، حکومت و افکار عمومی.

از ویژگی مهم کانون‌های تفکر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. جمع‌اندیشی در حل مسائل بزرگ براساس تفکر استراتژیک،
۲. تولید ایده و خلاقیت در ایده‌پردازی برای به‌دست آوردن فرآورده‌های فکری،
۳. معطوف بودن سیاست‌ها به سیاستگذاری و استراتژیکی مورد نیاز جامعه و دولت،

۴. تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌ها برای دولت و عدم ورود رسمی در سیاستگذاری‌ها.

### ۱-۳. وظایف کانون‌های تفکر

کانون‌های تفکر با تحلیل داده‌ها، برای نخبگان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و افکار عمومی تولید ایده می‌کنند. بدیهی است برای رسیدن به چنین هدف بزرگی استفاده از روش‌های متعددی برای ایفای این وظیفه لازم است.

این روش‌ها عبارتند از:

الف) برگزاری نشست‌های استراتژی - کارشناسی کانون‌های تفکر تا با تلاش آگاهانه با مخاطبان خود از طریق گفتگوی مفاهیم‌ای و استراتژیستی - عقلانی ارتباط برقرار کنند.<sup>۱</sup> مانند (SIS) که در سال و در برنامه استراتژیستی خود بیش از ۷۰۰ رویداد دارد.

ب) نشر اندیشه‌های کانون تفکر برای ارتقای جامعه فکری به شکل چاپی و الکترونیکی.

یکی از برترین ابزار کانون تفکر برای ایفای وظایف، وبسایت است. وبسایت، هم راهنما برای استفاده افکار عمومی و عقل جمعی از داده‌های کانون و هم برای تعامل کانون‌های تفکر در ارتقای اندیشه است. وبسایت کانون‌های بزرگ شامل گزارش، کنفرانس، برنامه‌ها، تحلیل‌های اجمالی، خلاصه کتب، زندگینامه

۱. اتاقی برای فکرسازی و فکورزی، مجله پگاه، شماره ۱۲۹.



استراتژیست‌ها و گاه‌شمار رویدادهاست.

ج) استفاده از رسانه جمعی که از این طریق فعالیت‌های کانون‌های تفکر، انعکاس وسیعی می‌یابد.

د) ارتباط با سازمان‌های حکومتی برای ارتقای نقش وظایف کانونی.

در آمریکا بیشتر کانون‌های تفکر ارتباط نزدیکی با اعضای کنگره و مقامات حکومتی دارند. استراتژیست‌های کانونی از فعالیت‌های خود به صورت مرتب به مقامات حکومتی گزارش می‌دهند. جالب اینکه از مقامات حکومتی برای سخنرانی در کانون‌ها دعوت می‌شود تا ارتباط گسترده‌ای بین حاکمیت و کانون تفکر به وجود آید.

طبق این قاعده، کانون‌های تفکر، پژوهش‌های فکری را در اختیار سیاستمداران و مدیران حکومتی قرار می‌دهند. تکیه عمده کانون‌ها در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری به پژوهش‌محوری و اصالت بخشیدن به منطق تفکر و فرهنگ اندیشه در جامعه است.

وظیفه اصلی کانون‌ها، سیاست‌پژوهی برای سیاستگذاری در عرصه علم، فرهنگ، سیاست، حکومت، اجتماع، اقتصاد و حقوق است. وظیفه دوم کانون‌ها بررسی برنامه‌ها، سیاست‌ها، کشف تهدیدها، فرصت‌ها، توانایی‌ها و ضعف‌هاست تا با انجام دادن مطالعات بنیادی و تطبیقی و بررسی راهکارها و الگو برداری از کشورهای توسعه‌یافته در صدد بومی‌سازی آنها برآیند.

کانون‌ها علاوه بر شورای تفکر کانونی، ستاد کانونی دارند که وظایف دیگری را انجام می‌دهند مانند: جمع‌آوری اطلاعات تحقیقاتی و دسته‌بندی آنها به صورت بانک اطلاعات. همچنین در تبادل اطلاعات با کانون‌های تفکر متناظر در سطح بین‌الملل برای

تحلیل وضعیت سیاست‌پژوهی نقش قابل توجهی دارند.

کانون‌ها، هم سیاست‌پژوهی می‌کنند و هم پاسخگوی نیازهای روز سیاستمداران و مدیران حکومتی هستند. بنابراین باید از طریق ستاد کانون‌ها، مشکلات را شناسایی کنند و با کمک شورای تفکر راه‌حل عملی ارائه دهند.

وظیفه دیگر کانون‌های تفکر، آینده‌پژوهی است. این کانون‌ها برای آینده‌پژوهی از گذشته‌پژوهی آغاز کرده و تحلیل فکورانه و استراتژیکی از وضعیت حال و آینده در اختیار سیاستمداران و مدیران حکومتی قرار می‌دهند. کانون‌ها، هم در تدوین استراتژی امنیت ملی کار می‌کنند و هم در تعاملی پیچیده راهکاری مشخص برای مشکل خاصی در نظام سیاستگذاری و حکومتی ارائه می‌دهند.

### ۲-۳. اهداف کانون‌های تفکر

هدف کانون‌های تفکر، سیاست‌پژوهی، آینده‌پژوهی و تعلیم سیاستمداران و مدیران استراتژیک براساس سیاستگذاری است. تلاش این کانون‌ها در جهت تعلیم مدیران استراتژیک بر پایه تفکر بنیادی، راهبردی و کاربردی به صورت توسعه‌ای برای دولت و حکومت در جامعه سیاسی است.

مدیریت استراتژیک، مدیریتی بر پایه تفکر، برنامه‌ریزی فکری، اقدام فکری و ارزیابی فکورانه است. مشکل این است که این ادبیات مدیریتی در جامعه شکل نگرفته و شاید تاکنون راه ورودی هم پیدا نکرده است. مدیریت بر پایه تفکر، مدیریتی به شکل توسعه انسانی در سیاست، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد است.



هدف اصلی کانون‌های تفکر، سیاست‌پژوهی بنیادی برای مهندسی حکومت، جامعه و دولت براساس نیاز کنونی و آینده بشر است. چنین مبنایی در دو رویکرد هدفی دنبال شده است:

الف) سیاست‌پژوهی به صورت استراتژی ملی برای ارتقای تفکر سیاستگذاری ملی و بین‌المللی و عمل بر طبق عقلانیت تفکر و توجیه فکری.  
ب) تأثیرگذاری مدل‌های سیاست‌پژوهی بر روند جاری دولت، حکومت و افکار عمومی.

### ۳-۳. کانون‌های تفکر برای چه؟

کانون‌های تفکر برای جدی گرفتن منطق پژوهش، توسعه و تصمیمات ملی برمبنای تفکر در کشور طراحی می‌شوند. طرح این مسئله نشان می‌دهد که فقر کانون‌های تفکر در نظام حکومتی و حوزه عمومی احساس می‌شود و بنابراین پدیداری آن در جامعه امری اجتناب‌ناپذیر است تا در الگوی پژوهش، توسعه بنیادی و راهبردی کشور بازنگری صورت گیرد.

کانون‌های تفکر، برای تعمیق تفکر و احیای منطق جمع‌اندیشانه و همگانی کردن فکر پژوهشی و باور به پژوهش در کشور است. بدیهی است به وجود آمدن چنین کانونی، هم بر غنای پژوهش‌های کشور می‌افزاید و هم پژوهش‌ها را در فرآیند توسعه قرار می‌دهد.

کانون‌های تفکر، سازوکاری برای آینده‌شناسی هستند. زیرا ذهن با کانون‌ها، هم

به گذشته‌شناسی سیطره می‌یابد، هم تسلط خود را بر وضعیت کنونی حفظ می‌کند و هم راه ورودی در آینده پیدا می‌کند.

در وضعیت کنونی گرچه هر وزارتخانه‌ای پژوهشگاه یا پژوهشکده‌ای برای خود دارد، ولی چون فاقد کانون تفکر است، حلقه‌های پژوهشی فاقد کارایی لازم هستند. در پژوهش‌های بنیادی و شاید راهبردی و کاربردی لازم است کانون‌های تفکری بر آنها نظارت کنند تا تحقیقات، پشتوانه تفکر داشته باشند و به صرف اطلاع‌رسانی عمومی بسنده نشود که از کارایی و کارآمدی اولیه محروم باشند.

### فصل چهارم - سیر تحول کانون‌های تفکر

در جهان امروز کانون‌های تفکر گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته‌اند که اغلب نقش مشورتی برپایه تفکر و عمومیت بخشیدن به آن را به‌عهده دارند. در وضع کنونی در ۷۷ کشور جهان کانون‌های تفکر وجود دارند که به ثبت رسیده‌اند. البته آمار کانون‌های تفکر متفاوت بوده و به تناسب در دوره‌های مختلف رشد داشته است.

اتاق فکر، زیرساخت کانون‌های تفکر است که از سال (۱۹۶۰) به‌صورت رسمی به فعالیت سیاست‌پژوهی برای سیاست‌گذاری مشغول شدند.<sup>۱</sup> شورای کانون‌های تفکر در وضعیت عملی استراتژیست‌های دانش‌محور، تجربه‌گرا و اندیشه‌ورز هستند. این گروه از استراتژیست‌ها به‌صورت طبیعی بر شانه گذشته به افق حال و آینده

۱. راهنمای جهانی کانون‌های تفکر، ۱۹۹۳.



می‌نگرند.<sup>۱</sup> البته فعالیت کانون‌های تفکر فقط به دانش استراتژیکی محدود نمی‌شود و اصل داشتن تفکر استراتژیستی است. بنابراین کسانی عضو کانون‌های تفکر خواهند بود که از ویژگی فکر راهبردی برخوردار باشند.

سیر تحول کانون‌های تفکر با چنین ویژگی صورت گرفته که «مؤسسه بنیاد کلوپ فکر» و «مؤسسه نیرا» نیز درباره آنها آمارگیری انجام دادند.

در غرب سیر تحول کانون‌های تفکر به پنج دوره تقسیم شده است:

۱. دوره (۱۹۰۰ تا ۱۹۴۵) میلادی،

۲. دوره (۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰) میلادی،

۳. دوره (۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰) میلادی،

۴. دوره (۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰) میلادی،

۵. دوره (۲۰۰۰ تاکنون) میلادی.

در هر دوره از سیر تحول کانون‌ها، ویژگی ممتازی وجود دارد که از آن به سیر تحول فکرسازی یاد می‌شود. در هر یک به تناسب، شاهد افزایش عمومیت بخشیدن به فکر، تنوع فکرسازی، تحول تخصص‌گرایی و افزایش تعداد اتاق فکر و شبکه‌ای شدن کانون‌های تفکر بوده است.

#### ۱-۴. موج‌های کانون تفکر

تاکنون چند موج کانونی در جهان به‌وجود آمده است که عبارتند از:<sup>۱</sup>

الف) نخستین موج بزرگ در دهه (۱۹۱۰) به‌وجود آمد. این موج، تمایلات انسان‌مدارانه و به‌نحوی روشنفکرانه داشته است.

در پرتو این موج چند مؤسسه پژوهشی برای مطالعه و بررسی مسائل جهانی تشکیل شده‌اند:

۱. بنیاد کارنگی که اندرو کارنگی در سال (۱۹۱۰) برای صلح بین‌الملل آن را طراحی کرده است.

۲. مطالعات جنگ، صلح و انقلاب هوور<sup>۲</sup> که در تاریخ (۱۹۱۹) هربرت هوور آن را تأسیس کرد.

۳. شورای روابط خارجی که با کلوپ شبانه در سال (۱۹۱۱) تشکیل شد و سپس به یکی از مؤسسات برتر امور خارجی در دنیا تبدیل شده است.

۴. مؤسسه تحقیقاتی دولت که در سال (۱۹۱۶) شکل گرفت. این مؤسسه با همکاری دو مؤسسه دیگر، (مؤسسه واشنگتن و مؤسسه برجسته آمریکایی بروکینگز) مطالعه در سیاست عمومی را تشکیل دادند.

ب) متعاقب جنگ جهانی دوم، کانون محافظه‌کاران به‌وجود آمدند. محافظه‌کاران حاصل بنیاد رند هستند که برای ارتقا و حفاظت از علایق نظامی و امنیتی ایالات متحده آمریکا به‌وجود آمدند.

1. MC Gann, op. cit, p. 8.

2. Hoever Institution on War, Revolution and Peace.



بنیاد رند با نسل جدیدی از هسته‌های کانونی شکل گرفت که بیشتر به واسطه آژانس‌ها و مراکز دولتی فعالیت می‌کنند. تحقیقات این مؤسسه به حوزه سیاستگذاری مربوط می‌شود و مخاطب آن مردان سیاسی و مدیران حکومتی هستند. از این هسته کانونی، محافظه‌کاران متعدد دولتی مانند: مؤسسه هادسون<sup>۱</sup> و مؤسسه شهری<sup>۲</sup> به وجود آمده است.

ج) بیش از همه کانون‌های تفکر، هسته‌های کانونی حمایتی مورد توجه رسانه‌ها بوده‌اند، استراتژی این کانون‌ها به وجود آوردن ارتباط میان سیاست‌پژوهی با تکنولوژی و اعمال روش سرمایه‌داری دولتی برای گروه‌های ذینفع بوده است. ورود این هسته کانونی به تحول کانون‌های تفکر انجامیده و ماهیت و نقش آنها نیز دستخوش تحول گردیده است.

هسته‌های حمایتی کانون‌ها مانند: بنیاد هریتیج<sup>۳</sup> (۱۹۶۲) و مؤسسه کاتو (۱۹۷۷) درصد برآمدند که به جهت‌گیری محتوای سیاست خارجی تأثیر بگذارند. در این مقطع هسته‌های کانونی در قالب رقابتی شکل گرفتند که هر یک با راهبردی در جستجوی جلب بیشتر افکار عمومی، سیاستمداران و مدیران حکومتی و اجرایی بودند.

د) هسته کانون‌های تلفیقی که جدیدترین هسته کانون‌های تفکر به شمار می‌روند. این هسته در مجموعه سیاست‌پژوهی برای سیاستگذاری و براساس سیاست‌سازی به وجود آمده است. هسته تلفیقی شامل مرکز کارتر در آتلانتا، واشنگتن و مرکز صلح

---

1. Hudson Institute

2. The Urban Institute

3. The Heritage Foundation

و آزادی نیکسون می‌شود. حوزه پژوهش و اندیشه این هسته به سیاست داخلی و خارجی معطوف شده است.

## ۲-۴. توضیح

**موج اول:** کانون‌ها در اواخر قرن نوزدهم تا شروع جنگ جهانی دوم در بریتانیا اتفاق افتاد و آلمان و اتریش را به صورت غیررسمی دربرگرفت.

**موج دوم:** در کشورهای اروپای غربی از (۱۹۴۵) تا (۱۹۷۰) رخ داد.

**موج سوم:** به صورت فراگیر در جهان رخ داد و با ویژگی تخصصی شدن شکل گرفت. مانند: کانون امور زیست‌محیطی،<sup>۱</sup> مراکز مطالعات صلح،<sup>۲</sup> مؤسسات سیاست کارگری<sup>۳</sup> و مرکز مطالعات سیاست پولی.<sup>۴</sup>

**موج چهارم:** بین‌المللی شدن کانون‌های تفکر است. مانند: مؤسسه کارنگی، شبکه توسعه جهانی بانک جهانی، سازماندهی سیاست خارجی کشورها، تأثیرگذاری در برنامه‌ها و اولویت دادن به مؤسسات بین‌المللی.

## ۳-۴. دو نمونه از کانون‌های تفکر

### ۱-۳-۴. کانون‌های تفکر در آمریکا

بیشترین کانون‌های تفکر در آمریکا وجود دارند که نیمی از آنها به کمک دانشگاه‌ها

- 
1. Environmental Think Tanks
  2. Peace Studies Centers
  3. Labor Policy Institutes
  4. Centers for Study of Monetary Policy



تأسیس شدند و نیمی مستقل هستند که در سه اصل کلی طبقه‌بندی می‌شوند:

الف) کانون‌هایی که به یکی از دو حزب سیاسی حاکم در آمریکا وابسته هستند مانند: بنیاد هریتیج، مؤسسه اقتصاد آمریکا، مؤسسه بروکینگز<sup>۱</sup> و مؤسسه خط‌مشی اقتصادی،

ب) کانون‌هایی که از نظر سیاسی متوازن هستند و تحلیل‌گرانی از محافظه‌کار و لیبرال را با خود همراه کرده‌اند. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی،  
ج) کانون‌هایی که به موضوع سیاسی یا منطقه جغرافیایی تمرکز دارند. مانند مؤسسه اقتصاد بین‌المللی.

کانون‌های تفکر بزرگ، گستره وسیعی از مسائل سیاست‌پژوهی را در زمینه ملی و بین‌المللی پوشش می‌دهند. مانند AEI که در اقتصاد، تجارت، رفاه اجتماعی، سیاست حکومتی، روابط بین‌المللی و سیاست امنیتی تمرکز دارند.  
بنیاد رند، پژوهش‌هایی را در زمینه امنیت ملی، علوم و تکنولوژی انجام می‌دهند.  
این بنیاد نخستین کانون تفکر در آمریکاست که در زمینه‌های مختلف سیاسی، امنیتی و نظامی به فعالیت می‌پردازد.<sup>۲</sup>

## ۲-۳-۴. کانون‌های تفکر در ژاپن

مؤسسه نیرا در زمینه سیاست، اقتصاد، مسائل بین‌المللی، مسائل اجتماعی، تکنولوژی و نظام‌های دولت ملی و محلی فعالیت می‌کند. این مؤسسه در سه زمینه بنیادی،

---

1. The Brookings, Institution

۲. هدف از بیان اجمالی این دو مدل، توجه کردن به سیاست‌ها و گستره مسائل سیاست‌پژوهی و استراتژی‌های آنهاست.

کاربرد و توسعه‌ای پژوهش انجام می‌دهد تا در سیاستگذاری جامع کشور نقشی ایفا کند.

پروژه‌های تحقیقاتی این مؤسسه، شامل تحقیقات جامع کشور و به‌ویژه سیاست‌پژوهی می‌شود. این مؤسسه در حوزه‌هایی مانند: آینده بشر، توسعه روابط بین‌المللی نوین، بازسازی اقتصاد جهان و سیاست‌های اقتصادی ژاپن، زندگی بشر و توسعه علم و تکنولوژی، شیوه‌های جدید زندگی و ساختار اجتماعی و بررسی پیامدهای توسعه شهری و نواحی بین‌شهری به پژوهش می‌پردازد و همه این مباحث را با محوریت کشور ژاپن دنبال می‌کند.

مؤسسه نیرا، پروژه‌های تحقیقاتی به کانون‌های تفکر جهان می‌دهد و ظرفیت دریافت پروژه‌های تحقیقاتی را در جهان دارد و در مواردی پروژه‌های مشترک با دیگر کانون‌ها انجام می‌دهد. در این مؤسسه، شورای کانون‌های تفکر تشکیل شده که نقش گردآوری اندیشه‌ها را به‌عهده دارد و مرکز اطلاعات سیاست‌پژوهی دایر کرده و در سطح گسترده رویکرد انتشاراتی پیدا کرده است.<sup>۱</sup>

### فصل پنجم - تفکر کانونی

تفکر کانونی، تفکری برای ارائه برنامه استراتژیستی جهت سیاستگذاری در جامعه و دولت است. کانون‌ها طبق این قاعده، هم تفکر استراتژیکی به‌وجود می‌آورند و هم هدایت عملی آن را با ارائه برنامه‌ریزی برای سیاستگذاری به‌عهده می‌گیرند.

1. National Institute for Research Advancement (NIRA)



در تحلیل راهبردی، استراتژی هدفی لازم است که باید با برنامه‌های تلفیقی و تعاملی سازگار باشد. از این رو تفکر کانونی با سه مشخصه «بنیادی، کاربردی و راهبردی» شناخته می‌شود. در عین حال عمده سخن معطوف به تفکر راهبردی است.

تفکر راهبردی چیست؟ آیا این تفکر به مدیریت راهبردی منجر می‌شود؟ آیا مدیریت راهبردی در گرو برنامه‌ریزی راهبردی است؟

مطالعات کانون‌ها در واقعیت عملی، مطالعات بنیادی - راهبردی است. کانون‌ها با تفکر راهبردی، مطالعات بنیادی را دنبال می‌کنند تا به برنامه‌ریزی راهبردی منجر شود. بدیهی است برنامه‌ریزی راهبردی به مدیریت راهبردی نیاز دارد که هم برنامه‌ها برای او قابل فهم باشد و هم از گردونه نظام مدیریت راهبردی حذف نشود. تفکر راهبردی، مدل روشی است که همراه با مشخصه‌هایی قابل تشخیص است. این تفکر از نظر استراتژی شامل تفکر بنیادی و کاربردی می‌شود. با چنین تفکری، رویکرد برنامه‌ریزی به صورت توسعه‌ای شکل می‌گیرد.

تفکر کانونی، تفکری فراگیر در حوزه مطالعات بنیادین جامعه، دولت و حکومت است. این تفکر شامل سیاست‌پژوهی دولتی و خصوصی می‌شود. از این رو نتایج مطالعات کانون‌های تفکر، هم برای مدیران دولتی قابل استفاده است و هم به کمک مدیریت‌های بخش خصوصی می‌آید.

در مطالعات کانون‌های تفکر دو جنبه کلی وجود دارد:

الف) سازه‌های حکومت و دولت را در خود جای می‌دهد و در حکومت حل و فصل

می‌کند.

ب) سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی را دربر می‌گیرد.

تفکر قانونی، تفکری برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی بنیادین در حوزه عمومی است. این کانون‌ها برای جامعه و دولت به‌منزله برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان اصلی در عرصه سیاستگذاری هستند. بر این اساس جامعه و دولت با باور به اندیشه بنیادینی که در مسائل حکومتی صورت گرفته، عمل می‌کنند و بنابراین وظایف کانون‌ها دو چندان می‌شود.

در عین حال هر تصمیم کانون‌های تفکر ممکن است به‌منزله انصاف یا عقلانیت نباشد. مانند: تحلیل کانون‌های اندیشه نومحافظه‌کاران آمریکا درباره جنگ عراق و افغانستان که با جهت‌گیری سیاسی همراه بوده است.

عمده سخن اینکه تصمیم‌گیری فکری در گرو مدیریت راهبردی بوده که با الگوهای تصمیم‌گیری فکری هماهنگ است. در این مورد گرچه مدلی ارائه نشده؛ ولی امکان مدل‌سازی در این‌باره فرضی معقول است.

در مدل‌سازی‌ها چند نکته حائز اهمیت وجود دارد:

الف) شناسایی مسئله برای تصمیم‌سازی، ذهن با این شناسایی به خوبی با مسئله مواجه می‌شود و در وضعیت واقعی فرصت تصمیم‌سازی پیدا می‌کند.

ب) عمل بر مبنای اندیشه، در مدل‌سازی هر عملی مبتنی بر اندیشه و باور به اندیشیدن جمع‌اندیشانه است.

ج) طبقه‌بندی معیارهای انتخاب تا پیامدهای گزینه‌ها را توجیه کند. تفکر در هر بخش از تصمیم‌سازی نقش اصلی را ایفا می‌کند و هدایت امور به‌عهده آن است.



## ۱-۵. مفاهیم کانون‌ها

کانون‌های تفکر، متمرکز در حوزه علوم، تکنولوژی، جامعه، حکومت و دولت هستند. این تمرکز از نظر ساختاری به آنها توانایی می‌بخشد که به نارسایی‌ها و ناتمامی‌ها سیطره یابند. از این رو در سیطره و ورود به جهان برتر، انجام سه کار بایسته است:

الف) مفهوم‌شناسی تاریخی و متناظر،

ب) مفهوم‌پژوهی براساس داده‌ها،

ج) مفهوم‌سازی به شکل اصول بنیادین.

در کانون‌ها چنین رویکردی موجب می‌شود که مفهوم‌گرایی در مراکز دانشگاهی و پژوهشگاهی رونق دوباره یابد. البته مفاهیم ثبت شده در کانون‌های تفکر در شمار نخایر ثابت کانون‌ها هستند. شاید طبق این مفاهیم برآورد اولیه برنامه‌ها و تداوم فعالیت‌ها صورت می‌گیرد.

مفاهیم کانونی هم هدف را توجیه می‌کنند و هم به روابط تولید و تقاضا انسجام منطقی می‌بخشند. اگر مفاهیم بنیادین نباشند، منابع مفاهیم بر اثر مصرف زیاد کاهش می‌یابند و ذهن در دوره‌ای دچار فقر مفهومی می‌شود.

پدیداری هر مفهوم، امیدی نو برای ارتقای جامعه، حکومت و دولت است، زیرا مفاهیم موجب احیای توسعه کشور و مبنای اصلی پویایی جامعه، حکومت و دولت محسوب می‌شوند.

در وضع کنونی آنچه فراموش شده مسئله مفهوم‌شناسی، مفهوم‌پژوهی و مفهوم‌سازی است. شاید راز فراموشی مفهوم‌سازی در مفهوم‌ستانی و مفهوم‌شناسی نهفته باشد. زیرا زمانی که مفهوم‌شناسی در جامعه علمی صورت نگیرد، مفهوم‌سازی

وجود ندارد. بنابراین تحول وضع کنونی در گرو تغییر ساختار اساسی مفهوم‌شناسی برای مفهوم‌سازی است.

## ۲-۵. توسعه کانون‌های تفکر

توسعه کانون‌های تفکر در هر کشور با توسعه فعالیت‌های کانونی و خدمات فکری همراه است. پیدایش چنین روشی نشان از توانایی برنامه توسعه کانون‌هاست که کانون‌های تفکر موجود هنوز در چنین روندی قرار ندارند.

با توسعه کانون‌های تفکر، انتقال تکنولوژی و فناوری بنیادین ممکن می‌شود. شاید رمز وابستگی به تکنولوژی در اثر فقر تفکر کانونی است. اگر کانون‌های تفکر به صورت واقعی شکل گیرند و روابط تعاملی با کانون‌های بین‌المللی برقرار کنند، بسیاری از مشکلات عرفی که فراروی جامعه و دولت نهاده شده به سادگی از میان برداشته می‌شود.<sup>۱</sup> زیرا توسعه کانون‌ها هم به شکل کمی بوده و هم رویکرد کیفی در آنها در سراسر جهان دیده شده است. مانند گسترش کانون‌ها از دهه (۱۹۷۰) در کشورهای درحال توسعه، افزایش کانون‌های ایدئولوژی محور و آزاداندیش، افزایش تنوع کانونی و تخصص‌های فکری، شبکه‌ای شدن کانون‌ها و افزایش اثربخشی برون‌داده‌ها.

توسعه کانون‌ها با شورای مرکزی کانون‌های تفکر همراه است. این شورای فکر، نیروهای مجرب فکری را در سطح کشور شناسایی می‌کند تا با درک توسعه و

۱. سیدیونس ادیانی، گشایشی در جهان تفکر، نشر نقش جهان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰.



مزیت‌های توسعه کشور به توسعه کانون‌ها کمک کنند. در این صورت کانون‌ها باید به دانش روز مسلح باشند و ضرورت تکنولوژی را در زیرساخت‌های کشور بشناسند.

در توسعه کانون‌ها، هر عضو شورای کانون تفکر باید کارشناسی مجرب در منطق فکر و به نحوی استراتژیست فکر<sup>۱</sup> در تکنولوژی و توسعه فرهنگ فکر در جامعه باشد. به‌ویژه آنان باید دنیای امروز را بشناسند و به توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی سیطره لازم داشته باشند.

شاید رمز توسعه کشور در توسعه و ارتقای کانون‌ها نهفته است. پرسش این است چگونه توسعه کانون‌های تفکر ممکن می‌شود؟

در رابطه با این پرسش دو پاسخ عرفی و فکری وجود دارد. پاسخ عرفی با تعدد کانون‌ها و گسترش اعضای کانونی، توسعه کانون‌ها و توسعه کشور ممکن می‌شود. پاسخ فکری در گرو تعامل کانون‌های تفکر متناظر است. کانون‌ها هم باید زیرساخت مناسب فکری داشته و هم به تعامل منطقی در جامعه حکومتی باور داشته باشند.

کانون‌های تفکر، سرمایه ملی هر کشور به‌شمار می‌آیند و تعامل و ارتباط آنها در جامعه پیکره فکری واحد به‌وجود می‌آورد که موجب تعمیق و ارتقای تفکر در حوزه عمومی می‌شود. از طرفی این گرایش زیرساخت‌های آموزشی و پژوهش کشور را توسعه و ارتقا می‌دهد. یعنی پیوند اصولی کانون‌ها به اقتدار ملی، در به‌وجود آمدن فکر ملی کمک کرده و دانش، تکنولوژی، صنعت و کشاورزی را در

---

۱. استراتژی اتاق فکر، روزنامه رسالت، ۳ تیرماه ۱۳۸۳.

مدل‌های ملی تعریف می‌کند.

تعامل کانون‌های تفکر برای توسعه در سه سطح قابل ملاحظه است:

(الف) تعامل ملی کانون‌ها برای ارتقای تفکر و توسعه ملی پایدار،

(ب) تعامل منطقه‌ای کانون‌ها برای تأمین نیازهای پایاپای،

(ج) تعامل بین‌المللی کانون‌ها برای تأمین نیازها جهت آرامش عمومی انسان.

کانون‌های تفکر به لحاظ عملی یکی از مهمترین ثروت ملی هر کشور به‌شمار می‌روند. زیرا کانون‌ها با احیای منطق فکر در جامعه امنیت ملی و توسعه ملی پایدار به‌وجود می‌آورند و جامعه را از ورود تکنولوژی عرفی باز می‌دارند و درصدد انتقال تکنولوژی مادر برمی‌آیند. کانون‌ها با بهره‌گیری از بیشترین توانایی‌ها در جامعه، راهکار نهادینه‌سازی فکر را برای توسعه گسترش می‌دهند.

کانون‌های تفکر در وضعیت کنونی، به شکل انحصاری عمل می‌کنند که مانع تعامل فراگیر و توسعه بین‌المللی می‌شوند.<sup>۱</sup> به‌نظر می‌رسد ترویج تعامل کانون‌ها در جامعه، ساختاری از استراتژی انحصارزدایی است. اگر در کانون‌های تفکر انحصارزدایی صورت گیرد، محیط رقابتی توسعه به‌وجود می‌آید و راهبردهای کلان حکومتی در فرآیند توسعه پایدار براساس تعامل کانون‌ها شکل می‌گیرد.

۱. تفکر انحصاری کانون‌ها از آفات اجتناب‌ناپذیر کانونی است که در نوشتار مستقلی به آن خواهیم پرداخت.



## فصل ششم - ملاحظات کانون‌های تفکر

ملاحظات کانونی برای سیاست‌پژوهی با رویکرد آسیب‌شناسانه صورت می‌گیرد تا کانون‌ها در جامعه فکری وضعیت واقعی را تشریح کنند. با آسیب‌شناسی کانونی، هم فرصت‌ها شناخته می‌شوند و هم تصمیم‌گیری و سیاستگذاری ساده‌تر خواهد شد و هم ذهن در فضای واقعی تصمیم می‌گیرد.

ملاحظات کانون‌ها دوگانه است:

(الف) ملاحظات اکتشافی در حوزه فکر،

(ب) ملاحظات خلاقیتی و تعاملی در جامعه.

ملاحظات نخست، ساختاری منقطع و هماهنگ نیاز دارد تا اکتشاف فکر در جامعه فکری ممکن شود. این مطالعات، هم باید روند توسعه را دنبال کنند و هم به تولید و تکامل مخزن اندیشه بیانیدهند. با این وجود مطالعات بنیادین باید به‌صورت روزآمد بازبینی شوند و با تعاملاتی دقیق و عمیق مراحل اکتشاف تفکر را دنبال کنند. ملاحظات دوم به تدوین استراتژی برای تولید و توسعه تفکر نیاز دارد. یعنی توسعه تفکر با تولید آن میسر می‌شود. بنابراین تولید تفکر به برنامه راهبردی نیاز دارد تا وضع تعاملی و تناظر فکری را یک به یک سامان دهد.

هسته‌های کانونی، مجموعه‌ای از استراتژیست‌های فکر هستند. این استراتژیست‌ها فقط به استفاده از تکنولوژی در کشور نمی‌اندیشند و درصدد بومی کردن آن برمی‌آیند. شاید ساده‌ترین کار استراتژیست‌های فکر در بومی کردن تکنولوژی باشد و مهمترین آن به‌وجود آوردن فکر تکنولوژی برای توسعه کشور است.

کار اصلی کانون‌های تفکر، ملاحظات نوبنیادی در مسئله فکر کردن است. در جامعه پیدایی نوبنیادی فکر از جوانب مختلف قابل ملاحظه است. زیرا ملاحظات نوبنیادی منحصر به تکنولوژی عمومی نبوده و به سازه‌های فرهنگ و تمدن فکری نیاز دارد.

با این بیان استراتژی فکر در جستجوی آرمانی بزرگ‌تر است. آرمان استراتژی، نوبنیادی جامعه، حکومت و دولت است. در این صورت جامعه‌ای که با ملاحظات فکری دولت ساخته شود و دولتی که بر شانه تفکر اعمال حکمرانی کند، جامعه، دولت و حکومت برتر و شاید اَبَرحکومت، جامعه و دولت را سامان دهد.

کانون‌های تفکر، هم به انتقال دانش تکنولوژی، فرهنگ و تمدن می‌اندیشند، هم درصد بومی‌سازی آن برمی‌آیند و هم به نوبنیادی فکر و دانش فکر کمک می‌کنند. بنابراین هریک از ملاحظات کانونی، نیازمند برنامه‌ریزی مناسب و سازگار است تا مزایای متعدد کانون‌ها در جامعه نشان داده شود.

اگر در فراروی کانون‌های تفکر برنامه‌ریزی نباشد یا برنامه‌ها ماهیت غیرفکری داشته باشند، تحولی در وضع کنونی به وجود نمی‌آید. زیرا کانون‌های تفکر زمانی فعال عمل می‌کنند که برنامه‌سازگاری برای عمل داشته باشند.

البته ملاحظات کانونی در اتاق فکر صورت می‌گیرد. اتاق فکر، زیربنای کانون‌های تفکر و اندیشگاه‌هاست.<sup>۱</sup> این اتاق، پشتوانه فکری و مشاوره‌ای سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان حکومتی با هدف سیاست‌پژوهی برای سیاستگذاری

۱. منطق بنیادین فکر، ص ۲۲۸.



است. بنابراین اتاق فکر، سازوکاری برای ایده‌ستانی، ایده‌پژوهی، ایده‌سازی، ایده‌پردازی و همگانی کردن فرهنگ و منطق فکر در جامعه کانونی است.

### ۱-۶. مدیریت کانون‌های تفکر

کانون‌های تفکر هم ناظری مناسب هستند و هم در حوزه عمل، مدیریت فکری انجام می‌دهند. پیدایی این دو خصوصیت، بر کارآمدی کانون‌های تفکر گواهی می‌دهد و ضرورت آن را در ساختارهای حکومتی دوچندان می‌کند. از طرفی بزرگ‌ترین فقر پژوهش‌ها، فقر تفکر بنیادین است. شاید آنچه در وضعیت کنونی، پژوهش‌های بنیادین را ناتوان نشان داده، تنها فقر پژوهشی نبوده و در مواردی با فقر تفکر نیز همراه بوده است. این فقر، هم مدیریتی بوده، هم نظارتی و هم فقر فکری‌پژوهی در پژوهش‌های بنیادین سایه افکنده است.<sup>۱</sup>

مدیریت پژوهشی در کشور دوجانبه است:

الف) آموزش‌محور،

ب) خدمات پژوهشی‌محور.

امروزه فکر آموزشی و پژوهشی در کشور، نه احساس نیازی را در ذهن‌ها برانگیخته و نه اذهان متناظر نسبت به آن حساسیتی نشان داده‌اند. به طوری که پدیداری این دو سستی بر آرامش ذهنی پژوهشگران افزوده و در نتیجه تفکر از رویش باز ایستاده است.

در وضع کنونی، هم تحول فکر مدیریتی لازم است و هم آگاهی از خصوصیات و کارکردهای تفکر بایسته است. اگر این دو تحول در حوزه تفکر حکومتی صورت گیرد، هم خواص پژوهش‌های فکر حکومتی دانسته می‌شود و هم سازوکاری برای پیدایش تفکر جدید و رونق اندیشه مدیریتی برای تصمیم‌مدیریت کلان است.

## ۲-۶. کانون‌ها و برنامه‌ریزی

در حداکثرسازی بهره‌جامعه از منابع کانون‌های تفکر، نوعی از راهبرد روشن ملی و بین‌المللی لازم است. زیرا برنامه‌ریزی کانونی موجب تعامل دوسویه می‌شود. یعنی هم جامعه با منابع تفکر کانون‌ها تعامل برقرار می‌کند و هم کانون‌ها متوجه ضرورت و نیاز واقعی کشور می‌شوند.

بخش برتر، برنامه‌ریزی کانونی است که فرصت سنجش و ارزیابی به کانون‌های تفکر می‌دهد تا در صورت ناتمامی برنامه‌ها به نقد و ارزیابی یا بازسازی آنها بپردازند.

در برنامه‌ریزی، اولویت‌بندی شرط نخست توفیق است. زیرا برنامه‌ریزی کانون‌ها در عین حال که باید با دیگر برنامه‌های کشور هماهنگ باشد، نباید با دیگر برنامه‌های توسعه تعارضی داشته باشد.

توجه کانون‌های تفکر به این بخش، نشانگر واقعی بودن برنامه‌ریزی کانونی است. ازسویی واقعی بودن برنامه‌ها، مخازن فکری و مهندسی فکر را از شکاف باز می‌دارد و دستاورد قابل توجهی در اختیارش می‌گذارد.



کانون‌ها در حرکت نخست باید دو بخش آموزش و پژوهش کشور را جدی بگیرند تا تحول از ریشه صورت گیرد. در هر دو بخش، پرسش پایه وجود دارد که لازم است پاسخ گفته شود:

(الف) چه چیزی آموزش داده می‌شود؟

(ب) در چه چیزی پژوهش صورت می‌گیرد؟

بدیهی است آموزش عمومی پیامد کنونی کشور را در بیماری فرهنگ آموزش به دنبال داشته است. از این رو کانون‌های تفکر باید برنامه فکری برای آموزش داشته باشند تا روش فکر کردن تعلیم داده شود. با این وجود در وضع کنونی، شاخص‌های آموزش و پژوهش در کشور رقمی قابل توجه است، ولی بود و نبودش در حکم سایه است. یعنی هم تأثیر شگرفی برای جامعه، حکومت و دولت ندارند و هم حضور آنها امری اجتناب‌ناپذیر شده است.

### ۳-۶. عملیاتی شدن کانون‌ها

کانون‌ها در واقعیت عملی، سازوکاری برای تعلیم نیروی انسانی در کشور هستند. در این صورت کانون‌های تفکر باید از تشکیل اتاق فکر در مقاطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان شروع کنند<sup>۱</sup> تا فکر پژوهشی در دستور روز آموزش و پژوهش کشور قرار گیرد. اگر چنین حرکتی آغاز شود، گامی در سامانه آموزش برای احیای فرهنگ آموزش و شاید پژوهش کشور برداشته شده است.

---

۱. فرهنگ آموزش به لحاظ ساختاری، جوهری و گوهری، بیمار است و به تحول اساسی نیاز دارد.

با این بیان پیدایش اتاق فکر بر ضرورت کانون‌های تفکر دامن می‌زند. در این صورت همان‌گونه که اتاق فکر در کنار اتاق علم و فن در آموزش و پژوهش شکل می‌گیرد، کانون‌های تفکر و اندیشگاه‌ها در کنار دانشگاه‌ها به وجود می‌آیند. در کانون‌ها و اندیشگاه‌ها، وضع تعلیم به کلی با دانشگاه‌ها متفاوت است. در آنجا دانش‌ها تعلیم داده نمی‌شوند و فقط فکرها و چگونه به وجود آمدن، توسعه یافتن و مرگ تدریجی افکار تعلیم داده می‌شود. البته در کانون‌ها و اندیشگاه‌ها کسانی به تدریس اشتغال می‌یابند که تفکری داشته باشند و صرف دانایی برای تعلیم کافی نیست و دانایی شرط لازم تدریس و فکر شرط مفید آن است.<sup>۱</sup>

### فصل هفتم - انتظار دولت از کانون‌های تفکر

انتظار دولت از کانون‌های تفکر این است که تعریف جامعی از سیاست، سیاست‌پژوهی و سیاستگذاری ارائه دهند تا همه چیز پشتوانه فکری داشته باشد؛ سپس با مبنای سیاست‌پژوهی، راهبردی برای سیاستگذاری ارائه دهند. البته انتظار عمده دولت به دو بخش گفته شده معطوف می‌شود که بخش دوم به بخش نخست وابستگی دارد.

در کانون تفکر توجه کردن به چند پرسش اساسی لازم است:

- سیاست چیست؟

- چه سیاستی ساختار و ماهیت سیاسی و سیاستی دارد؟

۱. منطق بنیادین فکر، ص ۴۶۱.



- چگونه در ذهن سیاستی شکل می‌گیرد؟

- چگونه توسعه سیاست در فکر سیاستی ممکن می‌شود؟

انتظار دولت از کانون‌های تفکر به‌گونه‌ای است که استقلال کانون‌ها را نشانه نمی‌گیرد. چون کانون‌های تفکر با ویژگی کانونی، مستقل از سیطره دولت عمل می‌کنند. گرچه از جهاتی به دولت نیازمندند.

کانون‌های تفکر سه شاخصه عمده دارند که عبارتند از:

(الف) سیاست‌پژوهی برای نوبنیادی سیاست، دولت و به‌روز کردن دولت،

(ب) آینده‌پژوهی برای جامعه‌سازی،

(ج) ایده‌پردازی برای ارتقای منطق فکر در جامعه فکری.

این سه شاخصه نشان می‌دهند که کانون‌ها باید تخصصی شکل گیرند تا به نیازهای پیچیده کشور پاسخ روشن داده شود. البته کانون‌های تفکر حکومتی به نحوی هسته مرکزی دیگر کانون‌ها خواهند بود که آنها را هدایت، مدیریت و نظارت خواهند کرد.

کانون‌های تفکر برای جامعه و دولت کار می‌کنند، ولی دولتی نیستند. پدیداری چنین کانونی، استقلال کانون‌های دیگر را نفی نمی‌کند و فقط راه تفکر را برای تولید ساده‌تر می‌کند. کانون‌ها در هر حال مستقل هستند و محل رفت و آمد، استراتژیست‌های فکر و نخبگان حکومتی خواهند بود.

استقلال کانون‌ها در تولید فکر بنیادین دیده می‌شود، چون اندیشه‌پردازی کانون‌ها در ورای حوزه دولت صورت می‌گیرد. از طرفی مبنای فعالیت کانون‌ها در

آینده‌پژوهی و سیاست‌پژوهی، سیاست‌سازی و سیاست‌گذاری است.

کانون‌های تفکر به شکل خصوصی، دولتی و حکومتی طراحی می‌شوند و بنیاد آنها براساس سازمان‌های غیردولتی و عمومی خواهد بود. در هر حال کانون‌ها باید مستقل باشند و استقلال فکری آنها محفوظ بماند. اگر کانون‌های تفکر مستقل نباشند، در تعارض با تولید فکر، ایده و نظریه خواهند بود. بنابراین ماهیت کانون‌ها در به‌وجود آوردن ایده و فهم جدید مربوط می‌شود تا وابستگی آنها مانع پدیداری فکر کردن نشود.

کانون‌های تفکر در جهان به‌صورت خصوصی، دولتی و دانشگاهی شکل گرفته‌اند. البته نوع دولتی کمتر از خصوصی است و چنانچه کانون‌های تفکر دانشگاهی در شمار دولتی قرار گیرد، تعداد کانون‌های تفکر دولتی بیشتر از خصوصی خواهد شد.

در کانون‌های دولتی، تحمل نظریه‌های مخالف و شکل‌گیری فکر چالشی از نوع فکربرانگیز با توجه به رویکرد محتاطانه و دستوری به سختی ممکن است و به همین دلیل ایده‌های جدید به‌ندرت به‌وجود می‌آید. در ایران از آنجا که بیشترین اقتصاد و مدیریت در اختیار دولت قرار دارد، کانون‌ها نیز در همین حکم قرار می‌گیرند. از این رو حیات اقتصادی بیشتر کانون‌های تفکر به دولت وابسته است.

کانون‌ها، سیاست‌پژوهی با آزاداندیشی را برای سیاست‌سازی و سیاست‌گذاری دنبال می‌کنند. یعنی با دغدغه فکر بنیادین در جهت ارتقای حکومت، دولت و سیاست تلاش می‌کنند.



## ۷-۱. تأثیر کانون‌های تفکر

کانون‌های تفکر، سازوکاری برای سیاست‌پژوهی، مدیریت سیاستگذاری علمی و فناوری کشور است. در ایران که وزارتخانه‌ها مانند جزایر مستقل از هم عمل می‌کنند، اهمیت و نقش کانون‌ها دو چندان می‌شود. از این‌رو کانون‌های تفکر، تصمیم‌گیری حکومتی را بر مبنای تصمیم‌سازی طبق مدیریت سیاستگذاری علمی و فناوری قرار می‌دهند.<sup>۱</sup>

کانون‌ها با استقلال می‌توانند چنین شیوه‌ای را در جامعه نهادینه کنند. اگر برای کانون‌ها استقلالی نباشد، هدایت فکری در جامعه معنایی نخواهد داشت. کانون‌ها در واقعیت عملی، تفکر و اندیشه عمیق تولید می‌کنند. البته مستقل بودن کانون‌ها، بخش نخست فکری و اندیشه‌ای بودن آنهاست.

آیا کانون‌های تفکر با استراتژی سیاست‌پژوهی، در سیاستگذاری بنیادی جامعه ملل نقشی ایفا کرده‌اند؟ این نقش چگونه بوده است؟

کانون‌ها تأثیر دوجانبه در افق آینده برجای گذاشتند:

الف) تأثیر در ایده‌سازی و ایده‌پروری که بر اساس آن افق آینده‌پژوهی تا حدودی ممکن شده است.

ب) تأثیر عملی در سیاستگذاری، تعلیم سیاستمداران، مدیران حکومتی و در مواردی حضور در عرصه سیاست عملی بوده است. مانند نقش کانون تفکر

---

۱. ایجاد کانون‌های فکری دولت باید بر اساس «بنیاد کانون‌های تفکر» باشد. این بنیاد از سه دانشگاه اصلی کشور (تهران، صنعتی شریف و امیرکبیر) تشکیل می‌شود و قوای سه‌گانه با تأسیس شبکه‌های کانونی یا شبکه اتاق فکر از آن بهره‌مند می‌شوند.

نومحافظه‌کاران و کانون تفکر آسیایی وزارت خارجه آمریکا.

نکته مهم، سطح و مقدار تأثیرگذاری در سیاست‌پردازی است. شاید نفوذ کانون‌ها، نقش عمده‌ای در تأثیرگذاری داشته باشد. مانند هسته‌های کانونی در آمریکا که چنین نقشی به‌عهده دارند.

کانون‌ها با توجه به موانع متعددی که در ارزیابی و اندازه‌گیری در شاخص‌های تفکر وجود دارد، با نفوذ در دولت و حاکمیت در شکل‌گیری سیاست عمومی تأثیر می‌گذارند. مانند امریکن اینترپرایز و بنیاد هریتیج که در سیاستگذاری دفاع موشکی مؤثر بودند و در همکاری با بنیاد رند در منافع تکنولوژی نظامی دولت را کمک می‌کردند. براساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که کانون‌های تفکر، هم در جامعه سیاسی، هم در سیاستگذاری ملی و بین‌المللی و هم در استراتژی علمی و فناوری نقش مؤثری را به‌عهده دارند.<sup>۱</sup>

## ۷-۲. نفوذ و توفیق کانون‌ها

هسته‌های کانونی برای توسعه و ارتقای ایده‌ها و اندیشه‌ها تلاش می‌کنند و تولیدات قابل ملاحظه‌ای دارند. کانون‌های تفکر مانند شرکت‌ها با سود ارزیابی نمی‌شوند و معیار سنجش آنها چگونگی تأثیرگذاری در سیاست و افکار عمومی است. جالب این است که بیشتر این کانون‌ها در ردیف سازمان‌های غیرانتفاعی به ثبت رسیده‌اند. با این بیان، کانون‌های تفکر مانند گروه‌های ذینفع و فشار هستند که با سازمان‌های

۱. نقش و تأثیر اتاق فکر در سیاستگذاری خارجی آمریکا، ص ۸.



غیردولتی برای قدرت سیاسی جهت سیاستگذاری رقابت می‌کنند. البته بین آنها هم تمایز اصولی وجود دارد و هم ویژگی‌های مشترک دارند که آنان را گرد هم می‌آورد.

کانون‌ها از نظر منابع سازمانی تفاوت عمده با یکدیگر دارند. بیشتر آنها یا با کانال‌های خصوصی و عمومی پیوند دارند یا به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها وابسته هستند. کانون‌ها در عرصه مردمی با استراتژی‌ها پیوند می‌یابند تا باورهای خود را به مردم و سیاستمداران و مدیران حکومتی انتقال دهند. این هدف بزرگ با برگزاری کنفرانس‌های عمومی و سمینارها دنبال می‌شود.

کانون‌های تفکر، استراتژی سیاست‌پژوهی خود را در مسائل ملی و بین‌المللی به وسیله عقل و تدبیر نخبگان فکری دنبال می‌کنند. اعمال چنین استراتژی به توفیق کانون‌ها منجر شده است. کانون‌ها با استفاده از اصل نفوذ در حوزه قدرت درصدد عملیاتی کردن استراتژی‌های خود برآمدند. واقعیت این است که پیشرفت تحولات تکنولوژی، سازه‌های کانون‌های تفکر را در وضعیت دشواری قرار داده است. به طوری که اگر رشد کانون‌ها بیشتر از تحولات تکنولوژی نباشد، به سرعت از گردونه رقابت بیرون می‌روند.

کانون‌های تفکر برای سیاست‌پژوهی سه رویکرد را دنبال می‌کنند:

(الف) گذشته‌پژوهی و کشف میراث فکری گذشته انسان،

(ب) حال‌پژوهی و درک وضعیت و موقعیت کنونی در جهان،

(ج) آینده‌پژوهی و حدس براساس منطق احتمالات درباره آینده ناآمده جهان.

گذشته‌پژوهی، راهبردی است که ذهن را در شرایط واقعی برای تصمیم‌سازی

قرار می‌دهد تا کاری بدون مبنا انجام نشود.

**حال‌پژوهی**، برای این است که ذهن در شرایط گذشته محصور نشود و تصمیم‌ها بر مبنای جهان واقع باشد.

**آینده‌پژوهی**، راهبردی برای بیان آرمان توسعه تفکر و زندگی در جهانی که خواهد آمد.

توفیق دیگر کانونی در گرو ترویج و گسترش اندیشه‌های کانون‌های تفکر برای زیرساخت‌های فکری جامعه و دولت است. البته کانون‌ها باید به‌گونه‌ای شکل گیرند که به‌جای فرصت به تهدید جدیدی برای امنیت ملی کشور منجر نشوند و حاصل تفکر و ایده‌سازی جدید برای تعمیق و ارتقای کشور باشند. ازسویی تأسیس کانون‌ها چنانچه با حمایت عملی همراه نباشد، حمایت‌های بعدی از کانون‌ها به توسعه کشور نمی‌انجامد. زیرا کانون‌ها زمانی توفیق خواهند یافت که در شرایط استراتژیستی تشکیل شوند و اعضای کانون‌ها نیز استراتژیست‌های فکر باشند.

### فصل هشتم - کارکردهای کانون تفکر

کانون‌های تفکر چند کارکرد عمده دارند:

الف) ایده‌سازی و نظریه‌پردازی در زمینه سیاست‌پژوهی و فرهنگ‌سازی فکر برای تفاهم منطقی،

ب) تصمیم‌سازی راهبردی در سیاست‌گذاری و اعمال مدیریت علمی برپایه نواندیشی و نوگرایی،



ج) توسعه دانش‌های بنیادی و فکری کشور در زمینه سیاست، حکومت، علم و فناوری،

د) ارائه راهبردی برای شکل‌گیری سیاست‌ها بر پایه حکومت و دولت در قالب تصمیم‌سازی استراتژیک.

فرآیند تصمیم‌سازی کانون‌ها به چند صورت خواهد بود:

۱. مطالعه و تحلیل بنیادی سیاست‌پژوهی برای احراز آینده‌پژوهی،

۲. هم‌اندیشی با استراتژیست‌های فکر به صورت متناظر،

۳. مفاهیم یک به یک و استفاده از تجارب فکری دیگران،

۴. تحلیل منطقی به شکل کارشناسی در مسائل ملی و بین‌المللی و ارائه

راه‌حل‌های بومی و بومی‌سازی علم و فناوری.

کانون‌های تفکر، هم برای حوزه عمومی افکار تولید می‌کنند و هم افکار جامعه را

شکل می‌دهند. این دو کارکرد کانونی را دنیای جدید باور کرده و توجه یافتند که

کانون‌ها به لایه تأثیرگذاری در جامعه و حکومت تبدیل شده‌اند.

در کشور چنین نقشی به دلیل فقر کانون‌های تفکر به رسانه‌ها واگذار شده است.

رسانه‌ها اگرچه توانایی فکرسازی ندارند؛ ولی افکار ورودی را در جامعه شکل

می‌دهند.

گسترش این شیوه، افکار عمومی را دچار عرفی‌زدگی می‌کند و به صورت طبیعی

با منطق فکر فاصله می‌گیرد. شاید پیدایش چنین روندی، نوعی از بیماری خفته باشد

که در بلندمدت پایه‌های تفکر جامعه را سست کند.

کارکردهای کانون تفکر شامل مواردی مانند: تولید اندیشه و تفکر جدید در حوزه منافع ملی برای مقامات ارشد حکومتی، تأمین نیروی انسانی متخصص در امور دولت و حکومت، تجمیع متخصصان سیاست‌پژوهی و گردهمایی استراتژیست‌های فکر برای تشریح سیاست‌ها و برنامه‌های ملی و بین‌المللی، نشست استراتژیستی و برگزاری سمینارها و کنفرانس‌ها و ارتباط با مقامات دولتی و حکومتی، ارائه مشورت کارشناسی به نهادهای تصمیم‌گیرنده، افزایش توجه افکار عمومی به محصولات کانون‌های تفکر در سطح جامعه از طریق گسترش آگاهی‌های عمومی، حمایت کانون‌ها برای زمینه‌سازی و تسهیل گفتگو و ایفای نقش میانجی در تنازع ملی و بین‌المللی می‌شود.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گرچه در تمامی تحلیل‌ها، فرصت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از کانون‌های تفکر یاد می‌شود؛ ولی چیز زیادی از آفرینش ایده‌های نو نمی‌دانیم. در وضع کنونی، در کانون‌های تفکر کشور گشایشی دیده نمی‌شود و فقط واژگان نحوی اتاق فکر، اندیشگاه یا کانون‌های تفکر مورد استفاده قرار می‌گیرد. این کانون‌ها به لحاظ سیاست‌ها و کارکردها به‌گونه‌ای سامان یافته‌اند که هیچ رگه‌امیدی در آنها دیده نمی‌شود.

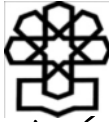
به‌نظر می‌رسد اولویت منطقی کانون‌ها، اولویت برنامه‌ریزی برای تربیت نیروی انسانی فکور در جامعه است. از طرفی برای شکل‌گیری چنین اولویتی تلاش بسیاری لازم است تا کارشناسانی با محوریت تفکر بر سر کار آیند و سیاست‌ها و تصمیم‌سازی‌ها بر مبنای تفکر انجام گیرد.



برنامه‌ریزی کنونی در کشور به‌گونه‌ای است که با افزایش مصرف تفکر، اذهان عمومی، ناخواسته با دانسته‌های عرفی سروکار پیدا کرده و کمتر تفکر فکربرانگیزی در آنها به چشم می‌خورد. این وضع ممکن است به قطع رابطه این کانون‌ها با تفکر منجر شده یا اینکه مانع تزریق زمینه‌های فکر در جامعه گردد. البته باید از قابلیت‌های کنونی استفاده شود و در عین حال نباید ارزش‌های منابع فکرسازی را نادیده گرفت. اولویت منطقی کانون‌ها، برنامه‌ریزی فراتر از جامع و استراتژیک و ورود یافتن در برنامه‌ریزی غلتان برای تعلیم نیروی انسانی در جامعه سیاستی و حکومتی است. اگر نیروی انسانی در جامعه‌ای ساخته شود، هیچ وضع بیهوده‌ای در آن جامعه و نظام حکمرانی پدیدار نمی‌شود. یعنی در نظام حکومتی با تربیت نیروی انسانی پیامدی از دانش فکر در جامعه فکری به‌وجود می‌آید که امیدآفرین است.

## منابع و مأخذ

۱. ادیانی، سیدیونس. تالار آگاهی و گواهی، انتشارات نقش جهان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲. ادیانی، سیدیونس. منطق بنیادین فکر، انتشارات نقش جهان، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
3. World survey of Strategic Studies Center", IISS, 1992.
4. NIRA Seisaku kenkyu.
5. James G. MC Gann, "Think Tanks and the Transnationalization of Foreign policy.
6. Andrew Denham, Mark Garnett, "Rethinking Think Thanks: A British Perspective".
7. Strobe Tolbott, "The Brookings Institution: How a Think Works", Usinfo. State. Gov/journals.
8. Public policy Research Organization.
9. Vaessen Institute for Strategic Insight.
10. National Institute for Research Advancement (NIRA).
11. Diane Stone and Heidi Ullrich, Policy Research Institutes and Think Tanks in Western Europe: Development Trends and Perspectives, (Budapest: open society Institute, 2003).



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۴۷۴

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: کانون‌های تفکر (ویرایش دوم)

نام دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: سیدیونس ادیانی

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار تخصصی: محمدحسن معادی رودسری

واژه‌های کلیدی:

۱. اتاق فکر

۲. اندیشگاه

۳. اندیشکده

۴. مخزن اندیشه

۵. فکرپژوهی

۶. سیاست‌پژوهی

۷. سیاستگذاری

۸. آینده‌شناسی

۹. استراتژیست

۱۰. کانون تفکر

۱۱. سیاست

۱۲. حکومت

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۱/۱